



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بزرگسکده زبان شناسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

بررسی عوامل سادگی و روانی زبان

بر اساس هشت نمونه متن فارسی

استاد راهنما:

آقای دکتر علی محمد حق شناس

استاد مشاور:

آقای دکتر مصطفی عاصی

دانشجو:

زهرا به جو

بررسی عوامل سادگی و روانی زبان براساس هشت نمونه متن فارسی

استاد مشاور: آقای دکتر مصطفی عاصی

استاد راهنما: آقای دکتر علی محمد حق شناس

نگارش: زهره بهجو

۱۳۷۵

چکیده:

کار حاضر کوششی است در جهت شناخت ابزارهای کلامی و واژگانی مؤثر در سادگی و روانی زبان فارسی معیار امروزی برای بهره‌گیری در امر نگارش و ویرایش. بنیان نظری و فرایند اجرای این پژوهش را پنج فصل در برمی‌گیرد:

فصل اول، در بیان آراء نظری پیرامون متن و بافتار.

فصل دوم، در معرفی ابزارهای انسجام در زبان فارسی براساس نگرش هلیدی و حسن (۱۹۷۶).
فصل سوم، در بیان آراء مطرح در زبان‌شناسی رایانه‌ای و فرهنگ نگاری و بهره‌گیری عملی از آن‌ها.

فصل چهارم، در تحلیل مقایسه‌ای هشت نمونه متن برگزیده فارسی براساس آمارهای انسجامی و واژگانی آن‌ها.

فصل پنجم، در بیان یافته‌های حاصل از تحلیل‌های کلامی و رایانه‌ای انجام شده.

بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، می‌توان ابزارهای انسجام و بسامد واژه‌ها را عاملی

مؤثر در سادگی و روانی زبان به شمار آورد.

این نه کاری درخور پیشکش
که دسترنجی است حاصل کوشش
و میل به پویش
نشانه‌ای است بسیار ضعیف
از سپاس و احترامی عمیق
به آن که رهروان علم را
از باری و راهنمایی
هرگز دریغ نورزیده است.

فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار
۳	مقدمه
۳	۱. درآمد
۴	۲. تحول زبان فارسی
۶	۳. نثر فارسی و فرایند تحول آن
۱۴	۴. هدف از پژوهش حاضر
۱۵	۵. روش و مراحل اجرای کار
۲۰	۱. متن و بافتار: بیان نظریه‌ها
۲۰	۱.۱. درآمد
۲۲	۲.۱. متن‌شناسی
۲۳	۱.۲.۱. تحلیل کلام
۲۴	۲.۲.۱. دستور متن
۲۶	۳.۱. کلام و متن
۲۶	۱.۳.۱. کلام (سخن یا گفتمان)
۲۷	۱.۱.۳.۱. کنش‌گفتاری و روی‌داد‌گفتاری
۲۹	۲.۳.۱. متن
۳۰	۳.۳.۱. تحلیل متن و تفاوت آن با تحلیل کلام
۳۲	۴.۱. شیوه‌های برخورد با متن
۳۲	۱.۴.۱. روی‌کرد روالی (روش‌مند)
۳۴	۱.۱.۴.۱. اصول تنظیم‌کننده ارتباط متنی
۳۵	۲.۴.۱. روی‌کرد طرحی - نظری
۳۶	۳.۴.۱. روی‌کرد نقش‌گرایانه
۳۷	۵.۱. سازمان‌بندی کلام و متن
۳۷	۱.۵.۱. خصوصیت‌های کلام
۳۸	۱.۱.۵.۱. ساختار کلام
۳۸	۲.۱.۵.۱. معنای کلام
۳۹	۳.۱.۵.۱. کنش‌های کلام
۴۱	۲.۵.۱. سازمان‌بندی متن

۴۱	۱.۲.۵.۱. ساختار (نحوی)
۴۲	۲.۲.۵.۱. عوامل مؤثر در سازمان‌بندی متن
۴۲	۱.۲.۲.۵.۱. عوامل ساختاری؛ (متنیت، نظام‌های مبتدائی و اطلاعاتی)
۴۵	۲.۲.۲.۵.۱. عوامل غیرساختاری؛ (تفاوت ساختار و بافتار، بافت موقعیتی و گونه‌های کاربردی زبان، انسجام)
۴۹	۲. انسجام و ابزارهای آن در زبان فارسی
۴۹	۱.۲. درآمد
۴۹	۲.۲. یکپارچگی و انسجام
۴۹	۱.۲.۲. یکپارچگی
۵۰	۱.۱.۲.۲. مفاهیم
۵۱	۲.۱.۲.۲. روابط
۵۲	۲.۲.۲. انسجام: (مفهوم، نقش، رابطه)
۵۳	۱.۲.۲.۲. انسجام دستوری
۵۳	۲.۲.۲.۲. انسجام واژگانی
۵۴	۳.۲. پیش‌انگاری
۵۴	۱.۳.۲. انواع پیش‌انگاری
۵۴	۱.۱.۳.۲. ارجاع درون‌متنی (درون مرجع)
۵۵	۲.۱.۳.۲. ارجاع برون‌متنی (برون مرجع)
۵۵	۴.۲. وصل
۵۶	۱.۴.۲. انواع وصل‌های انسجامی
۵۶	۱.۱.۴.۲. طبقه‌بندی براساس نمود صوری
۵۶	۲.۱.۴.۲. طبقه‌بندی براساس نمود معنایی
۵۶	۵.۲. رابطه‌های انسجامی
۵۶	۱.۵.۲. ارجاع
۵۷	۲.۵.۲. حذف
۵۹	۳.۵.۲. جایگزینی
۶۰	۴.۵.۲. ربط
۶۱	۵.۵.۲. انسجام واژگانی
۶۵	۶.۲. ابزارهای زبانی انسجام در فارسی
۶۵	۱.۶.۲. ارجاع

۶۵	۱.۱.۶.۲. ارجاع شخصی (ضمیری)
۶۵	۱.۱.۶.۲. ضمیرهای شخصی؛
۶۶	۲.۱.۶.۲. ضمیرهای پسوندی؛
۶۷	۳.۱.۶.۲. پایانه‌های شخصی؛
۶۸	۲.۱.۶.۲. ارجاع اشاره‌ای
۶۸	۱.۲.۶.۲. اشاره‌ای‌های ساده؛
۶۹	۲.۲.۶.۲. اشاره‌ای‌های مرکب؛
۷۳	۳.۱.۶.۲. ارجاع مقایسه‌ای
۷۳	۲.۶.۲. حذف
۷۳	۱.۲.۶.۲. حذف اسمی
۷۴	۱.۱.۲.۶.۲. اشاری‌ها؛
۷۵	۲.۱.۲.۶.۲. عددی‌ها؛
۷۵	۳.۱.۲.۶.۲. توصیفی‌ها؛
۷۶	۲.۲.۶.۲. حذف فعلی
۷۶	۱.۲.۲.۶.۲. حذف فعلی واژگانی؛
۷۷	۲.۲.۲.۶.۲. حذف عامل؛
۷۷	۳.۲.۶.۲. حذف بندی
۷۷	۱.۳.۲.۶.۲. حذف وجهی؛
۷۷	۲.۳.۲.۶.۲. حذف گزاره‌ای؛
۷۸	۳.۳.۲.۶.۲. حذف عناصر منفرد دریند؛
۷۸	۴.۳.۲.۶.۲. حذف در پرسش و پاسخ و دیگر توالی‌های سریع؛
۸۳	۳.۶.۲. جایگزینی
۸۴	۱.۳.۶.۲. جایگزینی اسمی
۸۵	۲.۳.۶.۲. جایگزینی فعلی
۸۵	۳.۳.۶.۲. جایگزینی بندی
۸۷	۴.۶.۲. ربط
۸۸	۱.۴.۶.۲. رابطه افزایشی
۸۸	۱.۱.۴.۶.۲. افزایشی ساده؛
۸۹	۲.۱.۴.۶.۲. افزایشی پیچیده؛
۸۹	۳.۱.۴.۶.۲. افزایشی مقایسه‌ای

۹۰	۴.۱.۴.۶.۲. افزایشی عطف بیان/بدل
۹۰	۲.۴.۶.۲. رابطه وارون ساز
۹۱	۱.۲.۴.۶.۲. وارون ساز خاص
۹۱	۲.۲.۴.۶.۲. وارون ساز ثبائی
۹۲	۳.۲.۴.۶.۲. وارون ساز تصحیحی
۹۲	۴.۲.۴.۶.۲. وارون ساز (تعمیمی) انفصالی
۹۳	۳.۴.۶.۲. رابطه سببی
۹۳	۱.۳.۴.۶.۲. سببی عام؛
۹۳	۲.۳.۴.۶.۲. سببی خاص؛
۹۴	۳.۳.۴.۶.۲. سببی معکوس؛
۹۴	۴.۳.۴.۶.۲. سببی شرطی؛
۹۴	۵.۳.۴.۶.۲. سببی برگشتی؛
۹۵	۴.۴.۶.۲. رابطه زمانی
۹۵	۱.۴.۴.۶.۲. زمانی ساده؛
۹۶	۲.۴.۴.۶.۲. زمانی پیچیده؛
۹۸	۳.۴.۴.۶.۲. زمانی فرجامی؛
۹۸	۴.۴.۴.۶.۲. زمانی همبسته؛
۹۹	۵.۴.۴.۶.۲. زمانی داخلی؛
۹۹	۶.۴.۴.۶.۲. زمانی داخلی همبسته؛
۹۹	۷.۴.۴.۶.۲. زمانی داخلی "این جائی و این زمانی"
۱۰۰	۸.۴.۴.۶.۲. زمانی داخلی تلخیصی
۱۰۰	۵.۴.۶.۲. واحدهای ربطی دیگر
۱۰۱	۵.۶.۲. انسجام واژگانی
۱۰۱	۱.۵.۶.۲. تکرار واژگانی
۱۰۳	۲.۵.۶.۲. با هم آئی واژگانی
۱۰۷	۳. آمار واژگانی و مطالعات رایانه‌ای
۱۰۷	۱.۳. درآمد
۱۰۸	۲.۳. بحث نظری
۱۰۹	۱.۲.۳. واژه‌نامهٔ بسامدی

۱۱۰	۱.۱.۲.۳. فهرست واژه‌نما
۱۱۰	۱.۱.۱.۲.۳. متن پایه؛
۱۱۰	۲.۱.۱.۲.۳. کلمات پربسامد؛
۱۱۱	۳.۱.۱.۲.۳. سرواژه؛
۱۱۱	۲.۱.۲.۳. فهرست بسامدی
۱۱۲	۳.۱.۲.۳. نمایه
۱۱۲	۲.۲.۳. پیکره زبانی
۱۱۴	۱.۲.۲.۳. توزیع وقوع واژه‌های پربسامد
۱۱۴	۲.۲.۲.۳. توزیع بسامد واژه
۱۱۴	۳.۲.۲.۳. توزیع اندازه واژه
۱۱۴	۴.۲.۲.۳. توزیع اندازه جمله
۱۱۵	۵.۲.۲.۳. اندازه پیکره زبانی
۱۱۵	۶.۲.۲.۳. کل واژه‌های کاربردی پیکره زبانی
۱۱۵	۷.۲.۲.۳. کل واژگان (دایره واژگانی) پیکره زبانی
۱۱۵	۸.۲.۲.۳. انواع واژگان پیکره زبانی
۱۱۵	۱.۸.۲.۲.۳. واژگان عمومی
۱۱۶	۲.۸.۲.۲.۳. واژگان تخصصی
۱۱۶	۹.۲.۲.۳. غنای واژگانی
۱۱۶	۳.۲.۳. بررسی سبکی
۱۱۷	۳.۳. مطالعه عملی
۱۱۷	۱.۳.۳. پیشینه
۱۱۷	۲.۳.۳. پیکره زبانی مورد بررسی
۱۱۸	۳.۳.۳. روش و مراحل اجرای کار
۱۱۹	۱.۳.۳.۳. کدبندی و نشانه‌گذاری
۱۲۰	۲.۳.۳.۳. نرم افزارهای کاربردی
۱۲۰	۳.۳.۳.۳. ارائه اطلاعات در فهرست‌های تهیه شده
۱۳۴	۴. تحلیل مقایسه‌ای متون فارسی: تحلیل کلامی، تحلیل رایانه‌ای
۱۳۴	۱.۴. درآمد
۱۳۵	۲.۴. بخش اول: تحلیل کلامی (بررسی آمار انسجامی)

- ۱۳۵ ۱.۲.۴. روش و مراحل تجزیه و تحلیل متن
- ۱۵۰ ۲.۲.۴. تجزیه و تحلیل نمونه متن های برگزیده
- ۱۵۰ ۱.۲.۲.۴. نثر قبل از مشروطیت (۱۲۱۱-۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۱۷۰-۱۲۸۳ هـ ش)
- ۱۵۰ ۱.۱.۲.۲.۴. میرزا اسدالله خان شوکت الوزاره: حاجی بابا اصفهانی
- ۱۵۵ ۲.۱.۲.۲.۴. میرزا حبیب اصفهانی (نثر روان فخیم): سرگذشت حاجی بابا اصفهانی
- ۱۵۹ ۲.۲.۲.۴. نثر بعد از مشروطیت (۱۲۸۳-۱۳۰۴ هـ ش)
- ۱۵۹ ۱.۲.۲.۲.۴. میرزا ملکم خان (نثر درسی / علمی): کلیات ملکم
- ۱۶۳ ۲.۲.۲.۲.۴. عبدالرحیم طالبوف (نثر عامیانه): کتاب احمد یا سفینه طالبی
- ۱۶۷ ۳.۲.۲.۲.۴. زین العابدین مراغه ای (نثر روان): سیاحتنامه ابراهیم بیک
- ۱۷۱ ۳.۲.۲.۴. نثر معاصر
- ۱۷۱ ۱.۳.۲.۲.۴. محمد علی فروغی (نثر درسی / علمی): سیر حکمت در اروپا
- ۱۷۵ ۲.۳.۲.۲.۴. محمد قاضی (نثر روان): دن کیشوت
- ۱۷۸ ۳.۳.۲.۲.۴. نجف دریابندری (نثر روان فخیم): متفکران روس
- ۱۸۳ ۳.۲.۴. نتیجه بررسی آمارهای انسجامی
- ۱۸۵ ۱.۳.۲.۴. ویژگی های نثر نویسندگان برگزیده و مقایسه آنها با یکدیگر
- ۱۸۵ ۱.۱.۳.۲.۴. کاربرد ابزارهای ارجاع
- ۱۸۵ ۲.۱.۳.۲.۴. کاربرد ابزارهای حذف
- ۱۸۶ ۳.۱.۳.۲.۴. کاربرد ابزارهای جایگزینی
- ۱۸۶ ۴.۱.۳.۲.۴. کاربرد ابزارهای ربط
- ۱۸۷ ۵.۱.۳.۲.۴. کاربرد ابزارهای واژگانی
- ۱۹۲ ۶.۱.۳.۲.۴. میانگین کل وصل های کاربردی / تعداد کل عوامل انسجام
- ۱۹۴ ۷.۱.۳.۲.۴. کاربرد ارجاع پیشرو (ساخت های مبتدائی)
- ۱۹۴ ۸.۱.۳.۲.۴. میانگین فاصله از مرجع
- ۱۹۴ ۹.۱.۳.۲.۴. کاربرد وصل مرکب (پیوندهای چند سویه)
- ۱۹۵ ۱۰.۱.۳.۲.۴. میانگین وصل در هر جمله
- ۱۹۵ ۱۱.۱.۳.۲.۴. تعداد جمله
- ۱۹۶ ۱۲.۱.۳.۲.۴. درجه فشردگی متن
- ۲۰۱ ۳.۴. بخش دوم: تحلیل رایانه ای (بررسی آمار واژگانی)
- ۲۰۱ ۱.۳.۴. نتیجه بررسی آمارهای واژگانی

۲۰۱	۱.۱.۳.۴. ویژگی های نثر نویسندگان برگزیده و مقایسه آن ها بایکدیگر
۲۰۱	۱.۱.۱.۳.۴. درصد کل واژه های کاربردی متن نسبت به کل واژه های پیکره زبانی
۲۰۲	۲.۱.۱.۳.۴. درصد کل واژگان متن نسبت به کل واژه های پیکره زبانی
۲۰۲	۳.۱.۱.۳.۴. غنای واژگانی و درصد آن نسبت به کل واژه های پیکره زبانی
۲۰۷	۴.۱.۱.۳.۴. درصد واژه های کمترین بسامد (= ۱) یا واژه های نامکرر نسبت به کل واژه های کاربردی و نسبت به کل واژگان متن
۲۰۸	۵.۱.۱.۳.۴. درصد واژه های بیشترین بسامد (تکراری تر) نسبت به کل واژه های کاربردی و نسبت به کل واژگان متن
۲۱۳	۶.۱.۱.۳.۴. جمع بندی نتایج آمار واژگانی
۲۱۹	۵. ماحصل
۲۱۹	۱.۵. خلاصه بحث
۲۲۰	۲.۵. نتیجه گیری کلی
۲۲۰	۱.۲.۵. ویژگی های نثر ساده (مُرسل)
۲۲۱	۲.۲.۵. ویژگی های نثر درسی / علمی (زبان معیار)
۲۲۲	۳.۲.۵. ویژگی های نثر روان
۲۲۳	۴.۲.۵. ویژگی های نثر فخیم
۲۲۴	۵.۲.۵. ویژگی های نثر دوره قبل از مشروطیت
۲۲۴	۶.۲.۵. ویژگی های نثر دوره بعد از مشروطیت
۲۲۵	۷.۲.۵. ویژگی های نثر دوره معاصر
۲۲۶	۸.۲.۵. کارآمدترین زبان
۲۳۱	۹.۲.۵. اهمیت این بررسی در امر ویرایش
۲۳۱	۳.۵. پیشنهاد برای پژوهش های آینده
۲۳۲	کتابنامه
۲۴۲	واژه نامه
۲۵۱	ضمایم

فهرست جدول‌ها و نمودارها و نمونه‌ها

۲۲	ارکان متن
۲۵	نگرش‌های گوناگون به تحلیل کلام (نظریه‌های ده‌گانه)
۲۸	رابطه بین پیام و مرجع‌های واقعی
۱۲۳	فهرست واژه‌نما: نحوه ارائه شاهد
۱۲۴	نمونه فهرست الفبائی
۱۲۴	نمونه فهرست بسامدی
۱۲۵	نمونه فهرست الفبائی
۱۲۶	مقایسه آمار واژگانی هشت متن برگزیده (نمونه‌های صد سطری)
۱۲۸	مقایسه آمار واژگانی هشت متن برگزیده (نمونه‌های ده صفحه‌ای)
۱۳۰	گزارش آمارهای متن کامل حاجی بابا (میرزا حبیب)
۱۳۶	طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی
۱۸۴	جدول یک: کاربرد ابزارهای انسجام در نمونه متن‌های هشتگانه
۱۸۸	نمودار (۱)- مقایسه کاربرد ابزارهای انسجام در نثر نویسندگان برگزیده
۱۸۹	جدول دو: مقایسه در زمانی و هم‌زمانی سبک‌های عامیانه، درسی/علمی، روان و فخیم
۱۹۰	جدول سه: مقایسه کم‌بسامدترین و پربسامدترین زیرشاخه‌های عوامل انسجام در نمونه متن‌های هشت‌گانه
۱۹۱	جدول چهار: کم‌بسامدترین و پربسامدترین زیرشاخه‌های انسجامی در نمونه متن‌های قبل از مشروطیت، بعد از مشروطیت و معاصر
۱۹۳	نمودار (۲)- برش پیکره زبانی مورد بررسی، براساس درصد کل عوامل انسجامی هر یک از نمونه متن‌های هشت‌گانه
۱۹۸	جدول پنج: درجه‌بندی نویسندگان به لحاظ کاربرد عوامل انسجام
۱۹۸	جدول شش: مقایسه ویژگی‌های انسجامی نمونه متن‌های قبل از مشروطیت، و بعد از مشروطیت و معاصر
۱۹۹	نمودار (۳)- مقایسه میزان جمله وصل و فشرده‌گی نمونه متن‌های هشت‌گانه
۲۰۴	جدول هفت: مقایسه آمار واژگانی نمونه متن‌های یکصد سطری
۲۰۵	نمودار (۴)- مقایسه درصد واژه‌های کاربردی، واژگان و غنای واژگانی درکنار درصد جمله‌ها در دو پیکره زبانی برگزیده
۲۰۶	نمودار (۵)- برش پیکره زبانی براساس درصد واژگان هر یک از نمونه‌های زبانی

هشت‌گانه

- ۲۱۰ جدول هشت: مقایسه درصد واژه‌های نامکرر و تکراری‌تر، نسبت به کل واژگان و کل واژه‌های کاربردی
- ۲۱۱ جدول نه: مقایسه آمار واژگانی نمونه متن‌های ده صفحه‌ای
- ۲۱۱ جدول ده: مقایسه متن کامل سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و نمونه متن‌های صد سطری و ده صفحه‌ای آن
- ۲۱۲ جدول یازده: مقایسه آمار واژگانی متن کامل سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و پنج متن کوتاه معاصر (به عنوان داده‌های تکمیلی)
- ۲۱۴ جدول دوازده: درجه‌بندی مقایسه‌ای ویژگی‌های بررسی شده در نثر نویسندگان برگزیده
- ۲۱۸ جدول سیزده: مقایسه درصد واژه‌های کم بسامد (بسامد ۱-۵)
- ۲۲۷ جدول چهارده: مقایسه نمونه نثرهای برگزیده به لحاظ مرتبه و تعداد واژه‌های هر بسامد (برای دستیابی به توزیع مطلوب واژه‌ها)
- ۲۲۸ نمودار (۶)- توزیع واژه‌های کاربردی در نمونه متن‌های برگزیده براساس بسامد واژه‌ها و مرتبه هر یک
- ۲۲۹ نمودار (۷)- توزیع واژه‌های کاربردی در نمونه متن‌های برگزیده براساس بسامد واژه‌ها و تعداد هر یک (منطقه مشترک یا منطقه توزیع مطلوب واژه‌ها)
- ۲۳۰ نمودار (۸)- منطقه مشترک توزیع واژه‌های کاربردی (بزرگ شده بخشی از نمودار ۷)

پیش‌گفتار

بررسی‌هایی که تاکنون بر روی متون ادب فارسی صورت گرفته است، تقریباً همه، مبتنی بر دیدگاه‌های ادبی بوده و بیشتر نیز به نظم و شعر اختصاص داشته است. آن چه بر بنیان اصول زبان‌شناختی در این زمینه انجام شده است، در واقع منحصر به رساله‌های دانشجویی می‌شود. این رساله‌ها، برخی شامل تحلیل‌های آماری و ازگانی‌اند و پاره‌ای نیز دربرگیرنده تحلیل‌های متن بنیاد قطعه‌های شعری. بر این اساس، شاید بتوان گفت که با وجود بحث‌های فراوان، هنوز مطالعه زبان‌شناختی دقیقی در باره نثر فارسی صورت نگرفته است.

با توجه به اهمیت شناخت ویژگی‌های نثر فارسی و سبک‌های گوناگون آن در امر نگارش و ویرایش، کار حاضر تلاش کوچکی است مبتنی بر نظریه‌ای زبان‌شناختی، برای پی بردن به رمز و راز سادگی و روانی زبان فارسی نوشتاری معیار.

نگارنده در تدوین این نوشته بیش از همه خود را مرهون کمک‌ها و رهنمودهای ارزشمند استادان ارجمند آقای دکتر علی محمد حق‌شناس، استاد راهنما و آقای دکتر مصطفی عاصی، استاد مشاور می‌داند و بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان خود را از ایشان ابراز می‌دارد. بی‌تردید تشکر از لطف و بزرگواری اساتید محترم آقای دکتر محمد دبیرمقدم و آقای دکتر یحیی مدرسی، و تمامی دوستان عزیز که هریک به نحوی، با در اختیار گذاشتن منابع یا انجام راهنمایی‌های مختلف، نگارنده را یاری رسانده‌اند کمترین میزان قدردانی از ایشان است.

همکاری صمیمانه خانم افسانه محجوب آفاق و آقایان مجید نوروزی و عطاالله کاویانی در امر حروفچینی و تایپ کامپیوتری، تهیه جدول‌ها و نمودارها و کارهای گرافیکی این نوشته، همین‌طور آقای میراحمد حسینی مسئول بخش زیراکس پژوهشگاه شایسته تقدیر و تشکر بسیار است.

بدیهی است این توفیق بدون محبت‌های مادرم و بردباری همسرم هرگز حاصل نمی‌آمد.

زبان هر ملتی فردیتی مختص به خود دارد، و این که هر زبانی از این
دست با فکر و اندیشه آن ملت و با ادبیات آن و همچنین با امر اتحاد دو
اتفاق آن پیوندی تنگاتنگ دارد...

(آر. اچ. روبینز)

۱. درآمد

فارسی مانند هر زبان دیگری یک مفهوم کلی است و در واقع شامل مجموع گونه‌های مختلف آن می‌شود. گونه‌های زبان فارسی را می‌توان از جهات مختلف: زمانی (تاریخی/در زمانی)، مکانی (توصیفی/همزمانی)، جامعه‌شناختی و کاربرد شناختی طبقه‌بندی کرد.

الف - از دیدگاه در زمانی: زبان فارسی به صورت رشته‌ای است که از فارسی باستان به فارسی میانه و فارسی نو^(۱) می‌رسد. از طرفی، هر یک از این گونه‌های کلی خود شامل گونه‌های فرعی بی‌شماری می‌شوند که همه از نظر دستور، واژگان و ساختمان صوتی با هم تفاوت‌هایی دارند.

ب - از دیدگاه هم زمانی: زبان فارسی به لحاظ مکانی، از یک سو زبان مادری بخش بزرگی از قلمرو جغرافیائی کشور ایران است و از سوی دیگر، زبان رسمی تمام سرزمین ایران.

فارسی در قلمرو جغرافیائی خود دارای گونه‌های مختلفی شامل: تهرانی، اصفهانی، یزدی، کاشانی و جز آن است. همه این گونه‌ها از نظر واژگان، ساختمان صوتی و دستوری با هم تفاوت‌هایی دارند.

پ - از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان: فارسی در قلمرو جغرافیائی خود علاوه بر گونه‌های منطقه‌ای دارای گونه‌های موقعیتی و اجتماعی نیز هست که متأثر از عوامل مختلفی است، مانند: تحصیل، جنس، سن، شغل، موقعیت اجتماعی، سبک/گونه فردی. گونه‌های اجتماعی نیز از نظر واژگان، ساختمان صوتی و دستوری با هم تفاوت‌هایی دارند.

ت - از دیدگاه کاربرد شناسی: گونه‌های فارسی برای مقاصد مختلف در اجتماع به کار برده می‌شود. یعنی زبان نقش‌های اجتماعی متفاوتی را ایفا می‌کند و نمی‌توان این نقش‌ها را که بسیار متنوع هستند جایگزین هم کرد. گونه‌های اجتماعی به لحاظ رابطه‌گوینده و مخاطب، شامل رابطه برابر، مؤدبانه، رسمی، صمیمی، ... می‌گردد و به لحاظ وسیله بیان، شامل گونه‌های گفتاری و نوشتاری.

گونه نوشتاری خود انواع نظم، شعر و نثر را دربرمی‌گیرد که از این میان، نثرگونه زبانی مورد نظر ما در این بررسی است.

۲. تحول زبان فارسی

برطبق مطالعاتی که صاحب نظران در زمینه زبان فارسی انجام داده اند، قدیمترین آثاری که از فارسی دری مانده است، گذشته از کلمات و عبارات های کوتاه و بعضی مصراع ها و بیت ها که در تاریخ های عربی و آثار فارسی دوره های بعد ثبت شده، از میانه قرن چهارم هجری است. نهضتی که در زمان فرمانروائی شاهان سامانی برای ترویج و به کار بردن زبان فارسی به جای تازی آغاز شد با سرعت تمام وسعت یافت تا آن جا که اندکی بعد، در روزگار غزنویان، فارسی دری زبان ادبی کشور شد. سپس در زمان شاهان سلجوقی این زبان در امور اداری و مکاتبات دیوانی هم جای زبان عربی را گرفت.

فارسی دری در طی سه قرن، از اول قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم به تدریج مقام زبان رسمی و ادبی ایران را کسب کرد و در عین حال، از گویش های ایرانی شرقی و زبان های غیر ایرانی نیز تأثیر پذیرفت. این تأثیر پذیری گاه در حد قرض گیری واژه ها و گاهی در رابطه با ساختمان کلمه و ترکیب کلام بود. تأثیر زبان عربی به عنوان زبان فرهنگی کشورهای اسلامی بیش از همه است. (نائل خانلری ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۵۶-۳۸۲)

فارسی دری را از جهت تطور و تکاملی که در طی هزار سال پذیرفته است می توان به سه دوره مهم تقسیم کرد: دوره رشد و تکوین، دوره فارسی دری، دوره تحول و تجدد. (نائل خانلری ۱۳۷۴: ۳۷۸-۳۵۹)

الف - دوره رشد و تکوین: این دوره از قدیمترین آثار به جا مانده فارسی دری بعد از اسلام است تا اوایل قرن هفتم هجری. ویژگی های این دوره را به طور خلاصه چنین می توان برشمرد:

- رسم الخط، قاعده ثابتی ندارد.

- دستگاه صرف فعل، بسیار وسیع تر از دوره های بعد است.

- ساختمان فعل، تفاوت محسوسی با دوره های بعد دارد. فعل های ساده این دوره در دوره های بعد یکسره از رواج می افتند.

ب - دوره فارسی دری: این دوره در واقع پس از یک قرن رکود و فترت، در زمان حکومت ایخانان مغول، آغاز می گردد. زبان دری از نیمه قرن هفتم به بعد، به کوشش بزرگانی مانند سعدی شیرازی، رشیدالدین فضل الله همدانی، ناصر منشی کرمانی، ابوالقاسم کاشانی و شرف الدین علی یزدی نام و آوازه ای می گیرد. در این دوره، فارسی دری هنوز میان عموم طبقات رواج و انتشار نیافته بود. زبان عامه مردم گویش های متعدد محلی بود و فقط اهل علم و ادب بودند که فارسی دری را می آموختند و در آثار دیوانی، اداری، علمی و ادبی به کار می بردند. بنابراین، فارسی دری زبان مادری و طبیعی افرادی که آن را به کار می بردند نبود و تنها از راه درس خواندن این زبان را می آموختند. زبان ادبی که نزد معلم فرا گرفته می شد از نظر تلفظ و ساخت کلمات و ترتیب اجزاء

جمله کم‌کم رو به وحدت و ثبوت می‌رفت.

این دوره تا اواخر قرن سیزدهم هجری دوام یافت. تحول زبان فارسی در طی این مدت، در آثار نویسندگان مختلف هم‌زمان و یکسان نبود. در طی هفت قرن تحول زبان ادبی، که دیگر نزد ادیبان و نویسندگان تابع قواعد ثابت و معینی شده بود، کند پیش می‌رفت. سبک خاص هر یک از نویسندگان نیز در این تحول تأثیر داشت، بعضی در نوشته‌های خود از آثار دوره‌های پیشین پیروی می‌کردند (کهن‌گرا بودند). برخی نیز زبان ادبی متداول و جاری زمان خود را به کار می‌بردند.

در زمان قاجاریه، شیوه سخنوران و نویسندگان عصر غزنوی و سلجوقی رواج و رونق یافت که این زبان دیگر تکلف و تصنع بود و نه زبان جاری آن زمان.

پ - دوره تحول اخیر: وضع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران از آغاز تأسیس سلسله قاجار دستخوش تحول سریع، عمیق و اساسی شد. این امر در زبان ادبی تأثیر زیادی داشت و اسباب پیدایش دوره دیگری را در فارسی دری فراهم آورد.

مهم‌ترین عوامل تحول زبان فارسی در این دوره؛ یکی روی آوردن مستوفیان و دیوانیان (اریابان علم و ادب) به پایتخت، به دلیل مرکزیت یافتن کشور، بود که زبانی بسیار نزدیک به زبان رسمی و ادبی داشتند و عامل دیگر، تأسیس مدرسه دارالفنون در زمان امیرکبیر و نیز رواج صنعت چاپ در ایران بود.

نتیجه مهم تحولات اخیر، تغییر کلی هدف و مقصود نویسندگان بود که در دوره پیشین مخاطب آنان فقط طبقه معدودی از درباریان و برگزیدگان یعنی اهل دانش و فضل و ارباب قلم بودند. در این دوره که شمار خوانندگان پیوسته بیشتر می‌شد، و مقاصد سیاسی و اجتماعی در کار می‌آمد، نویسنده با انبوه مردمی که یا خود خواننده بودند یا دیگران برایشان می‌خواندند سروکار داشتند. بنابراین، می‌بایست اندیشه‌های خود را به شیوه‌ای بنویسند که درخور فهم این گروه انبوه باشد و در ایشان تأثیر مطلوب را ببخشد.

تغییراتی که پس از این در زبان فارسی پدید آمد از این قرار است:

- ۱- منسوخ شدن عبارت پردازی‌ها و تصنع و تکلف که درخور فهم عامه نبود.
- ۲- ورود پاره‌ای کلمه‌های خارجی از غرب در زبان فارسی، مانند: فونسل، سالدات، راپرت، گمرک، تلفن، تلگراف، کپسول، ماشین، پلنیک، ...
- ۳- ساخت کلمات تازه فارسی در مقابل اصطلاحات خارجی متداول، مانند: سفیر، عدلیه، قانون، ایستگاه، فرودگاه، بین‌المللی، راه آهن، ...
- ۴- نفوذ اصطلاحات و واژه‌های زبان گفتار عامه در آثار نویسندگان که قبلاً در زبان ادبی راه نداشت، مانند: قشقرق، لوله‌نگ، چاروا دار، لفت و لیس، چرت و پرت، سوت، ...
- ۵- نقل عین عبارت از زبان یکی از طبقات اجتماع یا مردم به گویش محلی آن‌ها، مثلاً گویش

محلی کاشان.

۶- کنار گذاشتن واژه‌های بیگانه به ویژه کلمه‌های عربی و کاربرد لغات فارسی سره به جای آن‌ها. این روند تا شروع قرن چهاردهم هجری شمسی (۱۳۰۰ هـ.ش) همچنان ادامه داشت. در قرن جدید، جنبشی آغاز گردید که اثر فراوان در زبان فارسی برجا گذاشت و در نهایت منجر به تأسیس فرهنگستان زبان شد. این دستگاه بسیاری از اصطلاحات کشوری و اداری را که از اصل عربی بود به فارسی تبدیل کرد و سپس به ساخت بعضی از واژه‌های علمی پرداخت. تأسیس دانشگاه‌ها و تدریس علوم عالی به زبان فارسی یک سلسله اصطلاحات علمی جدید را به زبان فارسی وارد ساخت. رواج زبان‌های بیگانه موجب شد که در ساخت عبارات فارسی نیز تغییراتی روی دهد، مانند کاربرد "متأسفانه" یا "خوشبختانه" و یا "بدبختانه" به جای یک جمله، برای مثال: "بدبختانه" به جای جمله "موجب بدبختی است که..." به کار می‌رود. این ساخت در فارسی دوره‌های پیشین وجود نداشته و در اثر ترجمه لفظ به لفظ عبارات فرانسوی یا انگلیسی پیدا شده است.

۳. نثر فارسی و فرایند تحول آن

برطبق بررسی‌هایی که در مورد نثر فارسی و سبک‌های آن به عمل آمد و به تأیید بهار (۱۳۷۰): بیست و شش) تا پیش از وی (۱۳۰۹-۱۳۱۰ هـ.ش) به نثر فارسی و بالطبع سبک‌های آن هیچ‌گونه توجهی نشده بود. اهمیت این امر، همچنان که بهار نیز اذعان داشته، بیش از هر چیز فراگرفتن انشاء و نثرهای گوناگون برای انتخاب سبک مناسب و احتراز از غلط‌ها و بی‌سلیقه‌گی‌های فراوانی است که نثر فارسی را دچار فساد و تباهی می‌سازد. به اعتقاد وی:

"اصول سبک‌شناسی، مبتنی برآشنائی با اصطلاحات و کاربردهای واژگانی و جمله‌بندی و جز آن است." (برای اطلاع دقیق‌تر - بهار ۱۳۷۰: ۱، و نیز - خطیبی ۱۳۶۶)

در مرزبندی دوره‌های نثر فارسی و گونه‌های سبکی آن آراء چندی وجود دارد که تقریباً روندی مشابه را بیان می‌دارند. در کتاب‌های درسی، نثر فارسی را به لحاظ دگرگونی‌های بارزی که در مراحل حیات آن پیدا شده است، به پنج دروه کاملاً متمایز تقسیم کرده‌اند: (رزمجو و دیگران ۱۳۷۳: ۸۸-۸۹)

دوره اول (از اواسط قرن چهارم هجری) - نثر این دوره بسیار ساده و طبیعی است و شیوه آن همان نثر مرسل است، مانند: تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری، حدود العالم، قابوسنامه. دوره دوم (از اواخر قرن پنجم هجری) - در این دوره، تحول و دگرگونی در نثر پدیدار می‌شود و به تدریج به سبک نثر فنی نزدیک می‌گردد، مانند: کلیله و دمنه بهرامشاهی، مقامات حمیدی و مرزبان‌نامه.

دوره سوم (از اواخر قرن هشتم - سیزدهم هجری) - در این دوره، در برخی از آثار ادبی و

تاریخی تکلفات و تصنعات لفظی و لغات مهجور معمول می‌گردد، مانند: تاریخ و صاف. دوره چهارم (تا ابتدای قرن چهاردهم هجری) - در این دوره، اغلب آثار به سبک نویسندگان دوره اول و دوم (تاریخ بیهقی و گلستان سعدی) نوشته می‌شود و به تدریج گرایش به ساده‌نویسی رواج می‌یابد.

دوره پنجم (از یک قرن پیش به این سو) - نثر فارسی تحوّل می‌یابد و به سادگی و بی‌پیرایگی نزدیک می‌گردد. انقلاب مشروطیت و آشنائی با سبک‌های نویسندگان اروپائی سبب نزدیک شدن نثر به شیوه محاوره‌ای می‌شود.

توصیف‌هایی که درباره سبک، نثر و گونه‌های آن به طور مختصر در کتب درسی ارائه شده بدین قرار است: (رزمجو و دیگران ۱۳۷۳: ۸۶-۸۹)

سبک: در اصطلاح ادبیات، سبک "روش خاص بیان افکار از طریق ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر..." است. (برای توضیح بیشتر ← بهار ۱۳۷۰، هفده - هجده)

براین اساس، ویژگی‌های هر اثر یعنی سبک آن مبتنی بر دو جنبه است: یکی، لفظ و قالب آن و دیگر، معنی و مفهوم آن.^(۲)

نثر: در اصطلاح ادب، "به سخنی اطلاق می‌شود که برخلاف نظم از وزن و قافیه عاری باشد و با محور عروضی مطابقت نکند."

نثر ساده یا مُرسل: به نوشته‌ای اطلاق می‌گردد که "نویسنده مطالب و مقاصد خود را به سادگی و بدون استفاده از آرایش‌های لفظی بیان کند، و از آوردن کلمات موزون و مسجع و صنایع لفظی و لغات مشکل و ترکیبات مهجور اجتناب نماید.

(م - ۱) مثال:

"- او را دست و پای بستند و گلویش ببریدند بر کردار گوسپند و زنش هم بر این گونه کشتند."

(تاریخ بلعمی)

نثر مصنوع: بر دو گونه است:

نثر مسجع - نثری است که "در آن سجع به کار رفته باشد. در این نوع نثر، نویسنده کلمات هم‌وزن و آهنگین را در جملات خود به کار می‌برد."

(م - ۲) مثال:

"- دشمن چو از همه حیلتی فروماند، سلسله دوستی بچنابند، پس آنگه به دوستی کارهائی کند که هیچ دشمن نتواند."

(گلستان سعدی)

نثر متکلف یا فنی مطلق - نثری است که "نویسنده علاوه بر سجع، از صنایع لفظی مانند جناس و ترصیع و یا صنایع معنوی مثل ابهام و تضاد استفاده کند و سخنش را با امثال و

اشعار و شواهد گوناگون عربی و فارسی و آیات قرآن و لغات مهجور و استعارات و کنایات همراه سازد. " در واقع این گونه نثر از شعر تأثیر می‌گیرد، زیرا از صنایع و آرایش‌های معمول در شعر و بسیاری از شیوه‌های بیان شعری استفاده می‌کند. (۳)

(م - ۳) مثال:

"... پیل سحاب پیش هیکل جسمیش چون قطره سحاب در پیش پیل و دریای نیل در جنب اندام ضخیمش مانند برکه در جنب دریای نیل...".

نثر شکسته: در این گونه نثر، "کلام به صورت محاوره و گفتگوی معمولی ادا می‌شود." این گونه نثر بیشتر در بعضی از نمایشنامه‌ها، طنزها و نقل قول‌های مستقیم به کار می‌رود.

(م - ۴) مثال:

"از آثار دوره اوناست آقا. اول سال که آدمم اینجا مدیرشون هنوز بود آقا. کارشون همین چیزها بود: روزنامه بفروشد، تبلیغات کنند و داس و چکش بکشند آقا." (جلال آل احمد: مدیر مدرسه)

نثر ادبی (مورد توجه در دوره معاصر): نثری است که "از جهت لفظ و معنی نسبت به سخنان معمولی زیباتر و به اصطلاح فصیح‌تر و بلیغ‌تر باشد، مانند: نثر کتاب قابوسنامه، کلیله و دمنه، گلستان سعدی و برخی از نوشته‌های معاصران.

نثر مرسل رسالت انتقال اندیشه و دانش و فن را بردوش دارد، در برابر نثر ادبی که اثر هنری می‌آفریند. از این نوع نثرگاه با نام‌های "نثر آثار علمی"، "نثر معیار" و حتی "نثر غیر ادبی" هم سخن به میان می‌آورند.

نمونه‌ای از توصیف‌هایی که آراء موجود در این باره به دست می‌دهند به قرار زیر است:
زبان ادبی: با کاربرد استعاره، تشبیه، مجاز و نماد، ابهام و ابهام و آرایش‌های سبکی، معنایی و آوایی (جناس) زبانی است چند لایه و پیچیده، خودنما و جلوه‌فروش. در زبان ادبی موضوع چندان اهمیتی ندارد و فقط به صورت بیان توجه می‌شود. هدف آن نیز صرفاً برانگیختن شور و احساس نهفته در واژه‌ها و نمایان ساختن ارزش زیبایی‌شناختی آن‌هاست. زبان در این کاربرد یک هدف است و نه یک وسیله.

زبان علمی: در جهت دقت و یک رویگی و یک لایگی معنایی و شتاب در رساندن معنا، یعنی بیان روشن و دقیق و همخوانی یک به یک واژه و مفهوم آن، زبانی است خشک و بی‌روح و بدون جذابیت. زبان در این کاربرد ابزاری است در ساحت علوم و تکنولوژی و مستلزم رشد و گسترش متناسب با پیشرفت‌های علمی.

زبان محاوره‌ای: در جهت برقراری ارتباط‌های روزمره، زبانی است با واژگان محدود، کم‌دقت، و با طبیعتی عاطفی.

نثر ساده: فاقد رمز و کنایه، روشن و شفاف، با جمله‌های کوتاه و رسا و واژه‌های فعال اهل زبان